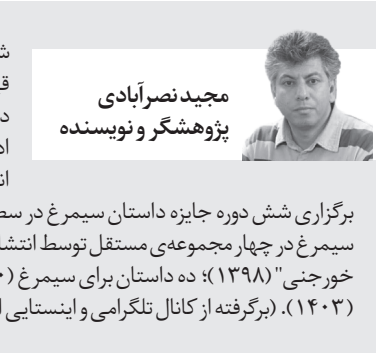


بیان گره خوردگی روایی ملی – مذهبی

نقد و تحلیل رمان نخجیر



مجید نصرآبادی پژوهشگر و نویسنده

شناسنامه کتاب: نخجیر / مصطفی بیان / نشر حکمت کلمه، چاپ اول ۱۴۰۳/ ۹۸ صفحه، پالتویی، شومیز، قیمت: ۱۱۰ هزارتومان.

درباره نویسنده: مصطفی بیان (متولد: ۱۳۶۳)، کارشناس علوم و صنایع غذایی است. او پیش از ورود به دنیای ادبیات داستانی دو کتاب غیرداستانی نوشت که با موضوع تغذیه و سلامت در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ توسط انتشارات آهنگ قلم چاپ شد. او موسس و دبیر انجمن داستان سیمرغ نیشابور از سال ۱۳۹۴ تا به امروز است.

برگزاری شش دوره جایزه داستان سیمرغ در سطح منطقه و فراملی حاصل این سال‌هاست. چاپ و گردآوری داستان‌های برگزیده‌ی شش دوره جایزه داستان سیمرغ در چهار مجموعه‌ی مستقل توسط انتشارات داستان، بخشی از فعالیت‌های تالیفی اوست. "در خانه‌ی ما کسی یانگ را دوست نداشت" (۱۳۹۷)؛ "پری خور جنی" (۱۳۹۸)؛ ده داستان برای سیمرغ (۱۴۰۰)؛ معمولی معمولی (۱۴۰۲)؛ مجموعه داستان "بزقاب" توسط انتشارات روزنه (۱۳۹۸) و رمان "نخجیر" (۱۴۰۳). (برگرفته از کانال تلگرامی و اینستای انجمن داستان سیمرغ نیشابور @Simurgh_Dastan)

چاپ کتاب: ۱۱۰ هزار تومان / نشر حکمت کلمه / چاپ اول ۱۴۰۳ / ۹۸ صفحه، پالتویی، شومیز،

دروازه‌های تیسفون اردو زده بودند، موبد مورد اطمینان دربار شاهنشاهی این لوح را به من داد و گفت هر نگارگر پاک سرشت، تصویری روی این لوح نقش کند، آن تصویر به ادن یزدان پاک، زنده می‌گردد و یزدان، بزرگان را بسیار می‌آزماید.» شهربانو با اشتیاق ادامه داد: «باید به جنگ آنها برویم؛ به خونخواهی مردم سرزمین‌مان. سنباد برای اینکه بتواند خود را هر چه زودتر به جبهه دشمن برساند نیاز دارد سوار بر سیمرغ شود تو از بهترین و شجاع‌ترین جنگاوران و کندآوران نامدار ما هستی. تواز مرگ نمی‌هراسی. تو شیردل و شجاعی و همچون سنباد از دیار خراسان. من می‌دانم که تو، نگارگر ماهری هم هستی. بشتاب؛ هر چه زودتر تصویر سیمرغ را بر روی این لوح طراحی کن تا آن را به نزد سنباد ببرم.» عزیزالله فرمان شهربانو را شنید و به لوح سپند ژُل زد. «همان پر سیمرغش آمد به یاد». عزیزالله، پر سیمرغ را از دست شهربانو گرفت و نوک آن را روی لوح گذاشت. از سر شروع کرد، به چشم‌رسید؛ سپس منقار و بعد شکم و بال. سیمرغ شکل گرفت. شب، یک آن روز شد و سپس شب شد. (ص ۶۵)

چهار شب و سه روز بود که سنباد می‌تاخت. فردا، چهارمین روز پاییز بود. سنباد، برای اولین بار از اسب به زیر آمد تا ساعتی بیاساید. خسته دراز کشید، ولی نمی‌توانست چشم بر هم گذارد. به نظرش رسید که در دوردست آسمان جنوب نوری پدیدار شد. از جا برخاست ولی نور چند بار دیگر درخشید و سپس محو شد. سنباد دوباره دراز کشید و این بار با نگرانی به تپه‌های دور دست نگاه کرد. مه و بخار، تپه‌ها را پوشانده بود و چند پرنده آوازی حزین می‌خواندند. نتوانست تاب بیاورد. افسار اسب را گرفت و به راه افتاد: «باید ادامه داد.» سرانجام به گذرگاهی سنگی رسید. سنگ‌های عظیم، با ظرافت خاصی تنگ هم چیده شده بودند و مسیر سخت و پیچ در پیچی را شکل می‌دادند که عبور از آن دشوار بود. از سرعت سنباد کاسته شده بود. از اسب به زیر آمد باید تا قبل از سپیده دم، به دل صعود می‌کرد. تنها امیدش این بود که هیچ دشمن و یارپرنده سیه‌ای او را نبیند. هیچ چینه‌اندی روی تپه به چشم نمی‌خورد. چند ساعت بعد، زیر تاج کوه بود. آخرین سربالایی، شب تندی داشت و صخره‌ای بود. خسته و نفس زنان به قله رسید،

برخلاف تبلیغات پیش از موعد برای نوشتن اثر و تبلیغات پیش‌دستانه برای چاپ رمان «نخجیر» که داعیه‌ی شرح زندگی خلبان جعفری بود و در مخاطب انتظار تولید می‌کرد اما رمان کمترین توجه را به وی داشت. رمان سرشار از شرح حالات

صدام است تا خلبان جعفری. شخصیت اصلی رمان صدام است و دنیای بیرونی و درونی او را به تصویر کشیده است و حجم اصلی کتاب را همین

نخجیر» چیست؟!... نخجیر به معنی صید و شکار است. به

خصوص بزکوهی وکل... نخجیرگاه، شکارگاه کوهستانی.

داستان با بخشی از یک حماسه آغاز می‌شود. «حماسه اررا» اررا کیست؟!... در اساطیر و افسانه‌های بابل، ایرا یا نرگال، خدای طاعون، جنگ و شهریار جهان زیرین (هادس) بود. معروفیت او به حماسه‌ی اررا باز می‌گردد. در این حماسه، اررا در غیاب مردوک،

بابل را ویران می‌کند؛ کاخ‌هایش را خراب می‌کند؛ زیارتگاه‌هایش را بی حرمت می‌کند و مردم را وادار می‌کند که رو در روی هم بایستند. اما «ایشوم»... وزیر اررا، که مردی پخته و دانشمند است،

او را در همه‌ی کارها آرام می‌کند. «حماسه‌ی اررا» حکایت اقول بابل در غیبت خدای حامی آن؛ یعنی مردوک است. آیا ما باید در این داستان بلند نخجیر دنبال اررا، ایشوم و مردوک بگردیم؟!... اگر بله، اررا کیست؟ ایشوم کیست؟... مردوک (خدای حامی بابل

کیست)... بابل کجاست که مورد هجوم قرار می‌گیرد؟!... هادس یا جهان زیرین کجاست که اررا از آن جا به بابل هجوم می‌آورد؟! اما برگردیم به ماجرای ژانر ماجراجویی فانتزی و حماسی، این‌ها

به بهانه انتشار «نخجیر» داستان بلندی از مصطفی بیان

فرستی است تا پا به دنیایی جدیدی بگذرایم و از دیدگاه نویسنده

به ماجراهایی که خلق کرده است نگاهی بیاندازیم.

گرچه مشخص کردن ژانر با گونه‌ی اثر هنری، خارج از وظیفه‌ی هنرمند است، اما با توجه به اشاره ژانر اثر از سوی مؤلف و ناشر داستان، شاید بد نباشد تا مختصری به انواع ژانرهای اشاره در

پشت جلد کتاب (ماجرای جویی فانتزی و حماسی) نگاهی بیاندازیم. یا به عبارت دیگر وقتی درباره‌ی ژانر صحبت می‌کنیم، درباره‌ی چه چیزی حرف می‌زنیم؟!...

اما قبل از آن، گریزی کوتاه به نام کتاب خواهیم زد و نیز با «حماسه‌ی اررا» که به عنوان ب्राعت استهلال در ابتدای کتاب، قبل از شروع داستان آمده است، آشنا خواهیم شد.

«نخجیر» چیست؟!... نخجیر به معنی صید و شکار است. به خصوص بزکوهی وکل... نخجیرگاه، شکارگاه کوهستانی.

داستان با بخشی از یک حماسه آغاز می‌شود. «حماسه اررا» اررا کیست؟!... در اساطیر و افسانه‌های بابل، ایرا یا نرگال، خدای طاعون، جنگ و شهریار جهان زیرین (هادس) بود. معروفیت او به حماسه‌ی اررا باز می‌گردد. در این حماسه، اررا در غیاب مردوک، بابل را ویران می‌کند؛ کاخ‌هایش را خراب می‌کند؛ زیارتگاه‌هایش را بی حرمت می‌کند و مردم را وادار می‌کند که رو در روی هم بایستند. اما «ایشوم»... وزیر اررا، که مردی پخته و دانشمند است، او را در همه‌ی کارها آرام می‌کند. «حماسه‌ی اررا» حکایت اقول بابل در غیبت خدای حامی آن؛ یعنی مردوک است. آیا ما باید در این داستان بلند نخجیر دنبال اررا، ایشوم و مردوک بگردیم؟!... اگر بله، اررا کیست؟ ایشوم کیست؟... مردوک (خدای حامی بابل کیست)... بابل کجاست که مورد هجوم قرار می‌گیرد؟!... هادس یا جهان زیرین کجاست که اررا از آن جا به بابل هجوم می‌آورد؟! اما برگردیم به ماجرای ژانر ماجراجویی فانتزی و حماسی، این‌ها

شخصیت‌پردازی شامل می‌شود.

خواننده در این اثر با کمترین اطلاعات شخصی از خلبان جعفری مواجه می‌شود. اگر این رمان ادای دینی نسبت به یک شخصیت تاریخی است پس باید حداکثر اطلاعات تاریخی را با دقتی وفادارانه به خواننده بدهد چون در غیر این صورت هیچ تفاوتی بین ویژگی‌های شهید جعفری یا هر شهید دیگر وجود ندارد. نویسنده برای روایت از راوی دانای کل استفاده کرده است.

امروزه استفاده از راوی دانای کل محبوبیت کمتری نسبت به سایر اشکال روایتی دارد. گاه می‌توان گفت که این شیوه روایتی منسوخ شده است زیرا نه نویسندگان و نه خوانندگان رغبتی به این شیوه روایت نشان نمی‌دهند و اقبالی به یک راوی همه‌چیزدان، پُرگو، مفسر و جانبدارانه از میان رفته است.

دگرگونی‌های روایتی نیز تابعی از رخ‌دادهای اجتماعی است. هنگامی که اکثریت شیوه‌های حکمرانی در جهان از نوع سلطنتی، شاهنشاهی و دیکتاتورمآبانه بود، محبوب‌ترین راوی نیز دانای کل مطلق بود اما زمانی که اقتدار حکومت‌های سلطه‌گر و مستبد از میان رفت یا کمتر شد و مردم با رویکردهای هرمنوتیکی بیشتر آشنا شدند، استفاده و اقبال به روایت دانای کل مطلق نیز کاهش یافت. نخجیر یادآور فیلم‌های دفاع مقدس دهه شصت است: قهرمان‌پروری، اسطوره‌پروری، جدال خیر و شر. داستان، جدال میان قهرمان و ضد قهرمان است. نخجیر فاقد شخصیت و شخصیت‌پردازی است. کنشگران داستان یا خیر مطلق یا شرّ مطلق هستند. هیچ شخصیت خاکستری در داستان دیده نمی‌شود. برخلاف رویکرد امروزه در پرداخت کنشگران داستان که از قهرمان‌پروری فاصله می‌گیرند، نویسنده همچنان همان رویکرد سنتی به کنشگران را دارد.

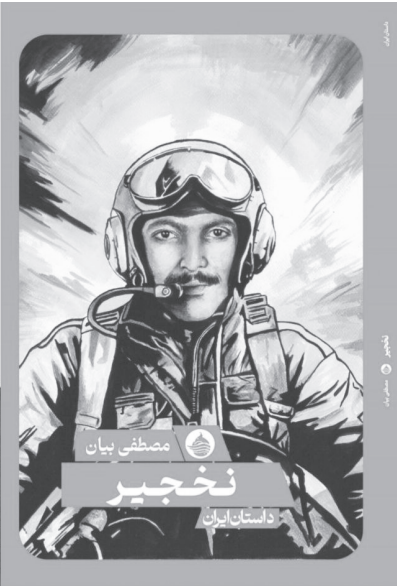
راوی تصویری که از صدام و سپاه دشمن ارائه می‌دهد کاملاً سیاه است. صدام مخالفین خود را در حمام اسید می‌اندازد، طعمه لاشخورها می‌کند، سربازانش را وادار به خوردن کثافت ذره زمین می‌کند. قرائت تمامیت‌خواهانه‌ی صدام از دین و روایای سردار قادسیه داشتن، او را به نمادی دینی تبدیل می‌کند. نبردی که در دو سوی آن قرائتی

چپ‌سند و هرکدام چه تعریفی دارند، به طور مختصر ادبیات

ماجراجویی، بر پایه‌ی داستان‌هایی بنا شده که محور آن‌ها کشف، سفر، وماجراهایی پر از چالش است. در این ژانر، معمولاً شخصیت اصلی در موقعیت‌های خطرناک یا ناشناخته قرار می‌گیرد و باید با مشکلاتی روبه‌رو شود که نیازمند شجاعت، هوش و گاهی کمی بخت و اقبال است. این داستان‌ها غالباً هیجان‌انگیز و جذاب هستند و خواننده را به دنیای ناشناخته‌ها می‌برند. از معروف‌ترین آثار این ژانر می‌توان به «جزیره گنج» اثر رابرت لوئیس استیونسون اشاره کرد. «دور دنیا در هشتاد روز» ژول ورن، ماجراهای هاکلبری فین و... اشاره کرد.

اما ادبیات فانتزی، ادبیات فانتزی دنیایی تخیلی و اغلب غیرواقعی را به تصویر می‌کشد که شامل عناصر جادویی، موجودات خارق‌العاده، و جهان‌های بی‌مانند است. این ژانر معمولاً شامل قهرمان‌هایی است که باید با نیروهای شر مقابله کنند یا رازهای عمیق را کشف کنند. ژانر فانتزی می‌تواند از داستان‌هایی ساده و شاداب، تا جهان‌های پیچیده و فلسفی گسترش یابد... فانتزی گونه‌ای داستان است که جادو یا دیگر اشکال فراطبیعی را به عنوان عنصر اولیه‌ی طرح و توطئه و درون‌مایه و یا فضای داستان استفاده می‌کند. آثار معروف این ژانر شامل «ارباب حلقه‌ها» اثر جی. آر. آر. تالکین و مجموعه «هری پاتر» اثر جی. کی. رولینگ هستند

و... در نهایت ادبیات حماسی: ادبیات حماسی بر داستان‌هایی بزرگ و باشکوه تمرکز دارد که معمولاً بر اساس مبارزات، دلاوری‌ها و ماجراهایی که به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی می‌پردازند، شکل گرفته‌اند. این داستان‌ها اغلب دارای زبان و سبک رسمی‌تر هستند و بر شخصیت‌های برجسته و رویدادهایی که به تاریخ یا افسانه‌ای مشهور مرتبط هستند، تأکید دارند... اگر در لغت حماسه را به معنی دلاوری و شجاعت بگیریم، در اصطلاح ادبی داستان حماسی به داستانی گفته می‌شود (چه منظوم، چه منثور) که وصف نبردها، دلاوری‌ها و افتخارات قومی، نژادی یک



دینی شکل گرفته است. این شیوه‌ی روایت‌پردازی را می‌توان در اسطوره‌ها، قصه‌ها و افسانه‌ها دید. تبدیل یک روایت تاریخی به افسانه، رمان را از ژانر تاریخی جدای می‌کند. نویسنده سعی کرده است که با استفاده وقایع تاریخی و مستندات تاریخی مرتبط با شخصیت صدام، داستان را به سمت تاریخی ببرد اما با ورود افسانه و قهرمان‌پروری از واقع‌گرایی اثر کاسته شده است و داستان را از شیوه‌های مدرن روایت‌گری به سمت شیوه‌های روایت‌گری منثور سنتی برده است. برخی از روایت‌های شیعه تمایل دارند که شهربانو دختر یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی را عروس حضرت علی و همسر امام حسین بدانند اما این روایت بنا به تایید برخی از پژوهشگران معاصر مورد تایید نیست و فقط جنبه‌ای از ارادت شیعیان به ارتباط خونی با خاندان پیامبر را می‌رساند. نویسنده از همین روایت نامعتبر تاریخی برای گره زدن خط روایی سنباد نیشابوری و خلبان جعفری استفاده می‌کند تا درهم‌تنیدگی ملی‌گرایی و تشیع را به اثبات رساند.

نویسنده برای ایجاد تنوع در روایت‌گری، چهار خط روایی می‌آفریند. این خطوط روایی متنوع، خواننده را به اعماق تاریخ ایران می‌برد تا از پیوند میان خطوط، ملی‌گرایی و تعلقات دینی را در یک راستا ببیند. پیوند میان ملی‌گرایی و دین‌خوبی ایرانیان همان دستمایه‌ای هست که باعث نجات ایران و حفظ مرزهای این سرزمین شده است. سنباد به یاری شهربانو تبدیل به اسپهبد می‌شود (ص ۶۹) و در قامت فرشته‌ی نجات در برابر نیروهای پلید دشمن ایستادگی می‌کنند.

داستان شروع مناسبی ندارد اما پایانی موجه دارد. هرچه داستان به پیش می‌رود با ایجاد کانال‌های روایی متفاوت از سنگینی کسالت‌بار شروع داستان کاسته می‌شود و رمان کمی جذابیت به خود می‌گیرد. ایجاد چهار کانال روایتی در رمان و دگردیسی کنشگران داستان باعث می‌شود که نویسنده همراه با روایت داستان، مرانامه‌ی فکری خویش را نیز طراحی کند و استدلال‌های روایتی را در قالب همراهی دو جریان ملی و مذهبی گره زند. چهار خط روایی داستان در انتها به زیبایی در هم تنیده می‌شوند تا روایت ملی – مذهبی در حفظ کیان ملی را به تصویر بکشد.

ملت است، به خصوص وصف پهلوانان در جنگ‌های تن به تن است. نمونه‌های شناخته‌شده این ژانر شامل «ایلیاد» و «اودیسه» اثر هومر و قطعا برای ما ایرانی‌ها اثر سترگ و بی‌بدیل «شاهنامه» حکیم فردوسی است. تمام نمونه‌های بالا اشاره به فرم خاصی از داستان گویی دارند. ماجراجویی و حماسی: یک قهرمان مستقل و ثابت و تأثیر گذار و تغییر دهنده و تغییر کننده لازم دارد و داستان ژانر فانتزی نیز به همین گونه، اما به قهرمانانی از جنس دیگر نیاز دارد. داستان‌های حماسی، فانتزی و ماجراجویی، به شدت داستان‌های بیرونی‌ای هستند. قهرمان فیزیکال با مشکل و دشمن دست به گریبان می‌شود، حالا یا شکست می‌خورد و تراژدی شکل می‌گیرد و یا پیروز می‌شود.

با توجه به نکاتی که در بالا گفته شد، به نظر می‌آید «نخجیر» ساختاری متفاوت از ساختار داستان‌های ماجراجویی فانتزی و حماسی داشته باشد. ساختاری که بیشتر شبیه داستان‌های مدرن است. داستان مدرن، داستانی است درباره‌ی تأثیرات مشکل و مانع داستان بر قهرمان (داستان‌های مدرن، داستانی درونی و روانی اند مانند نخجیر در ذهن ضدقهرمان – صدام می‌گذرد)... تأثیرات اعمال ضدقهرمان، بر روح و روان قهرمان... با این تعبیر می‌توان نخجیر را داستانی مدرن به حساب آورد، زیرا که خیلی مواقع جای شخصیت‌ها در داستان عوض می‌شود. داستان سرشار از خرده روایت‌ها و موجودات افسانه‌ای و شخصیت‌های تاریخی است: سیمرغ، سعد بن ابی وقاص، سنباد نیشابوری، شهربانو، شاهدخت ایرانی، که در داستان کارکردی استعاری دارند و باعث ایجاد زیرلایه‌هایی در متن شده‌اند. این نکته می‌تواند از نقاط قوت این داستان باشد. این‌ها در کنار شخصیت‌های واقعی و معاصر، روایت‌گران داستان نخجیر هستند

در پایان، امیدوارم داستان «نخجیر» اولین اثر بلند مصطفی بیان الهام‌بخش کسانی باشد که در مسیر نویسندگی قدم‌داشته‌اند و برای نویسنده اثر، بهترین‌ها را آرزو دارم.